

چالش‌های اخلاقی اجرای رأی داور در نظام حقوقی ایران

علی رسول زاده فرساد^۱
حمیدرضا علومی^۲

چکیده

نهاد داوری به عنوان یک روش حل اختلاف مبتنی بر توافق و تراضی طرفین اختلاف، از قدیم الایام مورد توجه و اقبال مردم قرار داشته است. این سیستم قراردادی موسوم به داوری مردمی دارای امتیازاتی است که آن را نسبت به سایر روش‌های حل اختلاف ممتاز ساخته است. مهمترین اصل حاکم بر داوری قطعی بودن آرای صادره و مهمترین امتیاز آن، لازم‌الاتباع و یا لازم‌الاجراء بودن آرای داوری است که مورد تأیید قواعد و قوانین ملی و بین‌المللی داوری قرار گرفته است. از آنجا که بنیان فلسفی و شالوده داوری مبتنی بر توافق طرفین است، لذا این موضوع یعنی پذیرش ارجاع اختلافات به داوری متضمن تعهد طرفین در اجرای اختیاری رأی داوری است. معهذاً در صورتی که محکوم علیه از اجرای رأی داوری امتناع ورزد، امکان اجرای اجباری آن در مقررات و قوانین مربوطه پیش‌بینی گردیده است که ما در این مقاله با ذکر مبانی حقوقی اصل لازم‌الاجراء بودن آرای داوری و نیز مستندات قانونی آن، بدو نحوه اجرای آرای داوری داخلی را بحث و بررسی نموده، سپس به تشریح اجرای آرای داوری خارجی در قلمرو کنوانسیون نیویورک و خارج از قلمرو آن و در پایان به نحوه اجرای آرای داوری خارجی وفق شرایط خاص خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی

آراء و احکام داوری، لازم‌الاجراء بودن رأی داوری، قانون داوری تجاری بین‌المللی، اجراء آرای داوری، چالش‌های اخلاقی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

Email: ali.farsad20@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

Email: hamidrezaolumi@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۵/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۲/۱۱

طرح مسأله

در عصر کنونی و بموازات پیشرفت‌های شگرف علوم و فنون و روابط گسترده و پیچیده مردم ناشی از رشد و توسعه اقتصاد و تجارت، ظهور و بروز اختلافات تجاری امری طبیعی و غیر قابل اجتناب است. جهت رفع و یا حل و فصل این اختلافات، مکانیسم داوری از قدیم الایام مورد اقبال مردم قرار گرفته است. این سیستم قراردادی مانند هر توافق قراردادی دیگر تابع حاکمیت اراده طرفین منازعه بوده و درواقع اساس انتخاب داوری و شالوده و بنیان فلسفی آن، مبتنی بر توافق طرفین اختلاف و عدم مراجعه به مراجع قضایی است. فرآیند داوری شامل یک دادرسی کامل، از مرحله طرح دعوی و یا اختلاف در مرجع داوری، تا مرحله نهایی شناسایی و اجرای رأی می‌باشد. لذا انجام داوری با فرجام صدور رأی و بالمآل اجرای رأی داوری خاتمه می‌یابد. طرفین داوری با تنظیم موافقتنامه داوری و یا توافق برامر داوری، بطور ضمنی تعهد می‌نمایند که به رأی داوری تمکین نموده و آن را اجراء نمایند. از مهمترین اوصاف و ویژگی‌های اساسی نهاد داوری، لازم الاجراء بودن احکام و آرای آن بوده که در پرتو قوانین ملی و بین‌المللی و قواعد داوری تثبیت یافته است. پروسه داوری شامل دو مرحله و یا دو قسمت اساسی است. مرحله نخست انجام داوری یعنی شامل جریان رسیدگی تا صدور رأی داوری و مرحله و یا قسمت دوم، اجرای رأی داوری است که نوعاً و طوعاً توسط محکوم علیه اجراء گردیده و در پاره‌ای از موارد، در صورت عدم اجرای رأی داوری بطور اختیاری، در پرتو قوانین داوری اعم از داخلی و بین‌المللی تمهیداتی جهت اجرای اجباری رأی داوری اندیشیده شده است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۱. شرایط حقوقی آرای لازم الاجراء داوری

مهمترین بخش و موضوع هر پروسه داوری اعم از داوری‌های ملی و بین‌المللی، اجرای آرای داوری است و دارای چنان امتیازاتی است که سازو کار و مکانیسم داوری را به عنوان روش بهتر و برتر حل اختلاف معرفی می‌نماید. در خصوص معنی و یا مفهوم لغوی «لازم الاجراء» ادیبان و صاحبان فرهنگ لغات فارسی آن را به واژگانی چون ناگزیر، حتمی، اجباری، الزام آور و غیر قابل اجتناب ترجمه و تفسیر نموده‌اند.^۱ در عالم حقوق نیز وقتی سخن از داشتن قابلیت اجراء، الزام آور بودن و یا لازم الاجراء به میان می‌آید، اساساً به معنی حکم لازم الاجراء است. یعنی حکمی که مراحل رسیدگی مربوطه خاتمه یافته و قابل اجراست. (مواد ۹۲ به بعد قانون

۱ فرهنگ بزرگ جامع نوین، ترجمه المنجد، انتشارات اسلام تهران، سال ۱۳۶۵، جلد دوم، صفحه ۱۴۸۵

ثبت^۱) البته ویژگی لازم الاجراء بودن آرای داوری با اسناد لازم الاجراء موضوع مادتين ۹۲ و ۹۳ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰ و نیز بند الف ماده ۱ آئين نامه اجرائی مفاد اسناد رسمی لازم الاجراء مصوب ۱۳۸۷ متفاوت بوده و چنانچه خواهيم دید اجراء آرای داوری صرفاً از طريق دواير اجرائی محاکم دادگستری امکان پذیر بوده و آرای قطعی و نهایی داوری مانند آرای قطعی قضایی لازم الاجراست .

الف. راجع به ماهیت اختلاف و قاطع بودن

با اخذ وحدت ملاک از ماده ۲۹۹ قانون آئين دادرسی مدنی چنانچه رأی داوری راجع به ماهیت اختلاف و قاطع اختلاف باشد ، اعم از جزئی و یا کلی ، حکم محسوب می گردد . لذا قرارهای شکلی و یا تصمیمات اداری صادره از مرجع داوری چون قرار تعیین مقر داوری ، یا تعیین زبان داوری ، یا ارجاع امر به کارشناسی و نیز سایر قرارهای اداری ، رأی قطعی محسوب نمی گردد.

ب. قطعی و نهایی بودن آرای داوری

مقدمتاً باید گفت که قطعی و یا نهایی بودن آرای داوری با آرای نهایی قضایی متفاوت است . منظور از نهایی بودن رأی قضایی رأی است که تمام مراحل قضایی و عند الاقتضاء فرجام را هم طی نموده باشد . ولی منظور از رأی نهایی داوری یعنی قطعی و غیر قابل تجدید نظر بودن رأی داوری است .

اول. آرای قطعی و نهایی لازم الاجراء در داوری های ملی (داخلی)

نهایی بودن آرای داوری را از دیدگاه برخی از قوانین داخلی به اجمال بررسی می نمایم .

یک. قانون آئين دادرسی مدنی در باب داوری مصوب ۱۳۷۹

مقررات ناظر به داوری در حقوق ملی ایران ، مقررات داوری مندرج در باب هفتم قانون آئين دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ می باشد . در این قانون بر خلاف سایر قوانین و قواعد داوری ، اشاره صریحی به قطعی و یا نهایی بودن آرای داوری نشده بلکه صرفاً در ماده ۴۸۸ قانون مزبور ، به تکلیف دادگاه ارجاع کننده دعوا به داوری و یا دادگاه صالح رسیدگی به اصل دعوا ، بنابر درخواست ذینفع داوری و پس از گذشتن مدت ۲۰ روزه و عدم تمکین محکوم علیه بر اجرای داوطلبانه و اختیاری صدور اجرائیه پیش بینی شده است . البته بنابر اصل شناخته شده در حقوق قضایی مبتنی بر اجرای آرای قطعی ، تکلیف دادگاه دایر بر صدور اجرائیه ، قرینه و اماره قطعی بودن آرای داوری است . کما اینکه بموجب ماده ۱ قانون اجرای احکام مدنی مصوب

۱. دکتر جعفری لنگرودی ، محمد جعفر ، ترمینولوژی حقوق ، انتشارات کتابخانه گنج دانش ، سال ۱۳۶۸ ،

۱۳۵۶، «هیچ حکمی از احکام دادگستری به موقع اجراء گذارده نمی شود مگر اینکه قطعی شده باشد. « مؤید این نظر و استنتاج حقوقی، ماده ۲۸ قانون مذکور و تصریح بر شمول رأی داوری در خصوص قانون مذکور است.^۱

دو. قانون داوری تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶

دیگر منبع قانونی در حقوق داوری داخلی و در مورد آرای داوری بین المللی، قانون داوری تجاری بین المللی ایران است. حسب مقررات مندرج در این قانون، دامنه شمول آن به داوری هایی اطلاق می گردد که در زمان انعقاد و قرارداد داوری یکی از طرفین داوری، تابعیت ایران را نداشته باشد. در بند ۱ از ماده ۳۵ این قانون صریحاً آمده است که: «آرای داوری که مطابق مقررات این قانون صادر می شود، قطعی و پس از ابلاغ لازم الاجراء است.» بنابراین آرای داوری تجاری بین المللی ایران، بالقوه لازم الاجراء بوده و پس از ابلاغ نیز به مرحله فعلیت در خواهد آمد.

سه. قانون بورس اوراق بهادار

هیأت داوری بورس اوراق بهادار در سال ۱۳۴۵ و به موجب مقررات مندرج در مادتين ۱۷ و ۱۸ قانون صدر الاشعار تأسیس گردیده و بموجب قانون سال ۱۳۸۴ بصورت دائمی در آمده است. جالب توجه اینکه به استناد بند پایانی ماده ۱۸ این قانون، رأی هیأت داوری موضوع قانون مزبور، لازم الاجراء بوده و حتی توسط دواير اجرای ثبت ادارات ثبت اسناد و املاک کشور قابل اجراست. هر چند که با توجه به داوران انتصابی در هیأت اینکه این مرجع ماهیت داوری داشته باشد محل تردید است.

چهار. قانون الحاق ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داوری خارجی سال

۱۹۵۸ نیویورک - مصوب ۱۳۸۰

با توجه به الحاق ایران به این معاهده، حسب مقرر در ماده ۹ قانون مدنی این کنوانسیون در حکم قانون ایران محسوب می گردد. همانطور که از نام آن پیداست، این معاهده به منظور اجرای آرای داوری در قلمرو دولتی غیر از دولتی است که از دادگاه آن درخواست شناسایی و اجرای رأی داوری گردیده است. البته ما در قسمت بعدی راجع به این معاهده بین المللی بیشتر سخن خواهیم گفت ولی عجالتاً اینکه بموجب ماده ۳ این معاهده کلیه آرای داوری لازم الاتباع و لازم الاجراست.

۱ حسب مقرر در ماده ۲۸ قانون اجرای حکام مدنی مصوب ۱۳۶۵: «رأی داوری که موضوع آن معین نیست قابل اجراء نمی باشد و مرجع رفع اختلاف ناشی از اجرای رأی داوری، دادگاهی است که اجرائیه صادر کرده است.»

پنج. سایر قوانین و مقررات ناظر بر داوری ایران

علاوه بر موارد فوق الذکر، در سایر قوانین و مقررات داوری، قانونگذار ما متناوباً و موکداً بر لازم الاجراء بودن آرای داوری تصریح و اصرار ورزیده است. بطور مثال مطابق ماده ۱۰ قانون اساسنامه مرکز داوری اتاق ایران، مقررات عمومی داوری‌ها در اختلافات تجاری داخلی برابر مقررات آئین دادرسی مدنی و در اختلافات بین‌المللی، قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ است که لازم الاجراء بودن آرای داوری در آن بشرح فوق تأیید گردیده است. مثال دیگر، قواعد داوری مرکز منطقه ای داوری تهران است که در ماده ۲۹ آن صراحتاً لازم الاجراء بودن آرای داوری تبیین و پیش‌بینی شده است.

دوم. آرای داوری لازم الاجراء در داوری‌های بین‌المللی (خارجی)

در این قسمت از بحث منظور نظر ما، بیشتر ناظر بر مقررات حقوق داوری سایر کشور های پیشرو در امر داوری و نیز قواعد داوری مراکز و سازمان‌های داوری بین‌المللی است. مطلب قابل توجه اینکه در حقوق داخلی ما، پیش شرط معد جهت ورود به مرحله اجراء، «قطعی بودن» رأی صادره است که جایگاه خود را در ادبیات حقوقی ما تثبیت نموده و غیر قابل خدشه است. در سایر کشورها معادل این عبارت (قطعی بودن آرای داوری) از واژگان متفاوتی استفاده و استعمال گردیده است. قدر مسلم اینکه در اکثریت قریب به اتفاق متون حقوقی تصمیم و رأی داوری «Award» عنوان شده و در آراء قضایی از «Judgment» نام برده شده است. همچنین در خصوص رأی داوری از اوصافی چون «Final» به معنی رأی نهایی و «Binding» به معنی رأی الزام آور استفاده شده است. بنظر می‌رسد اکثر حقوقدانان ما که اقدام به ترجمه متون انگلیسی کنوانسیون‌ها و قوانین و قواعد داوری را نموده‌اند، در خصوص ویژگی مهم قطعیت رأی داوری واژه «Final» را به معنی نهایی بودن رأی داوری دانسته و آرای نهایی داوری را قطعی تلقی نموده‌اند.^۱ و یا اینکه قطعیت داشتن را با قید غیر قابل تجدید نظر بودن آرای داوری معادل دانسته‌اند.^۲ همچنین علاوه بر قطعی و نهایی بودن از واژه «Binding» استفاده نموده که ظاهراً همان الزام آور بودن، لازم الاجراء و یا لازم‌الاتباع بودن آرای داوری است. این اصطلاح عمومی و رایج در ماده ۲۸ قواعد داوری «ICC» به وضوح به چشم می‌خورد.^۳ همچنین در ماده ۳۵ قانون نمونه آنسیترال «Binding» را به

۱ چنانچه در خصوص مقررات داوری آنسیترال مصوب ۱۹۷۶ مجمع عمومی سازمان ملل در این خصوص و در

ماده ۳۲(۲) آمده است. The Awards Shall Be Made in Writing and Shall Be Final.

۲ همانگونه که در ماده ۶۰ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری مصوب ۱۹۴۵ آمده است، «آرای این دیوان،

نهایی و غیر قابل تجدید نظر است.» The Judgment is Final and Without appeal.

۳ Every Awards Shall Be Binding on the Parties 156. ۳

عنوان رأی لازم الاجراء ترجمه نموده اند.^۱ مضافاً اینکه عیناً همین کلمه را در ماده ۳۵ کنوانسیون حل و فصل اختلافات مربوط به سرمایه گذاری بین دولتها و اتباع دولتها، تحت عنوان «الزام آور» ترجمه و تفسیر نموده اند.^۲

۲- زمان لازم الاجراء شدن آرای داوری

گفتیم که آرای نهایی و قطعی داوری از قوه و قدرت اجرایی^۳ برخوردار بوده و برای طرفین داوری لازم الرعایه، لازم التعمین و یا لازم الاجراء است. البته در نفس موضوع و اصل قضیه و اصطلاحاً در صغرای قضیه اختلافی نبوده بلکه در خصوص شرایط و کیفیت و یا زمان لازم الاجراء گردیدن رأی داوری اختلاف نظراتی وجود دارد. در مورد مفهوم الزام آور بودن رأی (لازم الاجراء شدن) دست کم باز بودن طرق عادی اعتراض و تجدید نظر خواهی نسبت به رأی ضروری است.^۴

الف. رأی داور فقط پس از دستور دادگاه لازم الاجراست!

عده قابل توجهی از حقوقدانان اعتقاد دارند که نفس رأی داور به لحاظ اینکه یک مرجع خصوصی و غیر دولتی و یا غیر حاکمیتی است، اصولاً لازم الاجراء نبوده و قدرت اجرایی ندارد. تا جایی که برخی از ایشان بصراحت گفته اند که: «رأی داور به خودی خود توان اجرایی ندارد و در صورت عدم اجراء توسط محکوم علیه، محکوم له می تواند از دادگاه درخواست اجرای آن را نماید. بنابراین دستور اجرای دادگاه است که به رأی داوری قدرت اجرایی می بخشد.»^۵ یکی دیگر از حقوقدانان نامی کشورمان در حوزه آئین دادرسی مدنی اظهار داشته اند که: «رأی داوری توان اجرایی نداشته این دستور اجرای دادگاه است که به رأی داوری قدرت اجرایی می بخشد حتی اگر رفع اختلاف از طریق داوری بموجب سند رسمی پیش بینی شده باشد.»^۶ مع الاسف برخی دیگر از نویسندگان حقوقی و ازمتأخرین در اثبات این نظریه حتی یک گام عقب تر رفته و نهایی (قطعی) شدن آرای داوری را به گذراندن مراحل پژوهش و فرجام منوط نموده اند. در این رابطه خانم دکتر لعیا جنیدی گفته اند: «زمان نهایی شدن رأی داوری با توجه به مفهوم نهایی

۱ دکتر محبی، محسن و حسین کلویار، مجموعه مقررات جدید آنسیترال درباره داوری، انتشارات خرسندی، سال ۱۳۹۳، صفحه ۳۳

۲ دکتر صلح چی، محمد علی و غیره، اسناد بین الملل راجع به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، انتشارات جنگل، جاودانه، سال ۱۳۹۰، صفحه ۳۰۸

3. Binding Force

۴ دکتر جنیدی، لعیا، اجرای آرای داوری بازرگانی، انتشارات شهر دانش، سال ۱۳۹۲، صفحه ۲۸۱

۵ محمدی خورشیدی، محمد، داوری در حقوق ایران، انتشارات بهنامی، سال ۱۳۹۰، صفحه ۱۴۰

۶ دکتر شمس، عبد الله، آئین دادرسی مدنی، انتشارات دراک، سال ۱۳۸۴، جلد سوم، صفحه ۵۷۷

شدن، از لحاظ نظری علی الاصول زمانی است که همه رسیدگی های مربوط به پژوهش، فرجام و حتی دیگر طرق شناخته شده منقضی شده باشد. بدین ترتیب زمان تحقق شرط نهایی شدن رأی، صدور دستور اجراء یا تأییدیه کشور مبدأ است.^۱ از منطوق نظریه فوق به خوبی قابل برداشت است که حتی در صورت عدم صدور حکم دادگاه به اجراء شدن رأی داور یا صدور اجرائیه، نه تنها رأی داور لازم الاجراء نیست البته در صورتی که در کشور مبدأ این مراحل لحاظ شده باشد.

ب. قابلیت اجرای رأی داور امری نسبی است

مطابق این نظریه گرچه رأی صادره از مرجع داور علی الاصول نهایی و قطعی است، ولی قطعیت رأی صادره فقط نسبت به طرفین اختلاف و دعوی و خصوصاً محکوم علیه رأی داور لازم الاجراست و دیگر نسبت به مرجع قضایی و دادگاه که قاعداً در صورت عدم تمکین محکوم علیه رأی داور، دستور اجراء و یا اجرائیه صادر می نماید، لازم الاجراء نبوده و عند الاقتضاء و با صلاحدید مقام قضایی دستور اجراء صادر می گردد.^۲ این نظریه نیز از قوام و دوام زیادی برخوردار نیست و با اصل مفروض حقوق داور دایر بر لازم الاجراء بودن آرای داور چندان سازگار نبوده و اصالت و وجاهت اصل مذکور را به زیر زیر سؤال و محاق برده و موجب تضعیف رأی داور است. در حقوق نوین داور سیاست قانون گذاران داخلی و نیز سیاست های حقوقی حاکم بر توافقات و معاهدات بین المللی، تقویب حقوق داور و ترغیب بیشتر مردم به این نهاد و از همه مهمتر اجرای الزامی و سریع آرای داور است. همسو و هم فکر با این نظریه، در رویه قضایی کشورمان نیز موافقانی وجود دارند که در آراء و تصمیمات خود با وجود اعتقاد بر قطعیت آرای داور، آن را نسبت به مقامات قضایی لازم الاجراء نمی دانند.^۳ به هر حال نظر ما مغایر با این نظریه بوده که پس از بیان نظریه بعدی (سوم) در انتها و در ارزیابی جامع بیان خواهیم نمود.

ج. رأی داور پس از صدور، قطعی و لازم الاجراست

علی الاصول رأی نهایی داور که در ماهیت اختلاف ارجاعی صادر گردیده و قاطع منازعه

۱ دکتر جنیدی، لیا، اجرای آرای داور بازرگانی خارجی، انتشارات شهر دانش، سال ۱۳۹۲، صفحه ۲۸۰
 ۲ نظر برخی از اساتید محترم دانشگاه و متخصصین حقوق داور و در مذاکره حضوری با نگارنده بر این امر داور استوار است.

۳ متأسفانه به دلیل عدم انتشار آرای قضایی و عدم پرتال الکترونیک اطلاع از رویه قضایی دشوار بوده و به آرای قضایی دسترسی سهل و آسانی وجود ندارد. مع الوصف رئیس شعبه ۲۶ دادگاه حقوقی تهران چنین آرائی صادر نموده که علیرغم پیگیری فراوان و موفق به تحصیل آرای مزبور نگارنده و در مذاکره و مصاحبه حضوری، مشارالیه موافق با این نظریه بود.

طرفین دعوی است، بلا فاصله پس از صدور، قطعی و لازم‌الاتباع بوده و مطلقاً لازم الاجراست. این مدعا منطبق بر نظریات اکثریت غالب حقوقدانان و موافق رویکرد کنوانسیون‌ها و مراجع و مراکز داوری ملی و بین‌المللی است. علاوه بر مقررات داوری ملی و بین‌المللی که در ادامه ذکر خواهیم نمود، از نظر حقوق اسلامی، اغلب فقهای شیعه و سنی معتقدند که «رأی مزبور (رأی داوری) به محض صدور الزام آور بوده و برای طرفین داوری لازم‌الاتباع است.»^۱

د. رأی قطعی داوری مطلقاً لازم الاجراست

از میان سه نظریه فوق‌الذکر به اعتقاد ما نظریه سوم از اتقان و وجاهت حقوقی و قانونی بیشتری برخوردار بوده و با اصول حقوقی خصوصاً قواعد نوین داوری سازگارتر است. در نظام حقوقی ما بر خلاف احکام قضایی که اجرای رأی حقوقی منوط به صدور اجرائیه است، تنها در صورت عدم اجرای اختیاری رأی داوری، و بنابر درخواست ذینفع اجرائیه صادر می‌شود. لذا صرفاً ضمانت عدم اجرای اختیاری رأی داوری، صدور اجرائیه است. از دلایل مؤید این نظریه، تکلیف قطعی قاضی محکمه، مبنی بر صدور اجرائیه است مگر در مواردی که اجرای رأی داوری برخلاف نظم عمومی و یا اخلاق حسنه باشد که در این صورت قابل اجراء نیست.^۲ چنانکه نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه نیز موافق با این نظریه صادر گردیده است.^۳ رویه قضایی در ایران هم کم و بیش با اصل مورد نظر ما موافق بوده و بر این نظریه صحه می‌گذارد. بطور نمونه در قسمتی از دستور صادره اجرای رأی داوری به شماره ۴۸۹ مورخ ۱۳۸۷/۵/۲۰ از شعبه ۲۷ دادگاه عمومی حقوقی تهران آمده است: «دادگاه توجه دارد که داور براساس مقررات بین‌المللی لندن که مورد توافق بوده است، مبادرت به صدور رأی نموده و با توجه به اینکه موضوع دعوی در امور تجاری است، و با وصف به اینکه اصل بر الزام آوردن آرای داوری است و عدم قابلیت اجرای آن از سوی محکوم علیه به دادگاه ارائه نشده است، و رأی، مخالف نظم عمومی نمی‌باشد، و موضوع نیز قابلیت ارجاع به داوری را طبق مقررات داخلی دارد، بنابراین دادگاه با استناد

۱ شیخ محمد حسین نجفی، جواهر الکلام، جلد ۴، چاپ دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۸ هجری قمری، صفحات ۲۴ و ۲۷ و علامه حلی، قواعد الاحکام، چاپ... کتاب قضاء (به نقل از جنیدی، لعیا، قانون داوری تجاری بین‌المللی، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۸، صفحه ۲۷)

۲ چنانچه ماده ۹۷۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد که: «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه و یا به واسطه جریحه دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود، به موقع اجراء گذارد اگر چه قوانین مزبور اصولاً مجاز می‌باشد.»

۳ به موجب نظریه شماره ۷/۱۷۶۳ مورخ ۱۳۶۲/۴/۲۰ اداره حقوقی قوه قضائیه «چنانچه در مهلت قانونی ابطال رأی داور درخواست شود صدور اجرائیه تکلیف دادگاه است و مفاد این رأی مطابق مقررات اجرای احکام مدنی به مرحله اجرا در می‌آید.»

قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون شناسایی و اجرای احکام داورى خارجى مصوب ۱۳۸۰ و ماده ۵ کنوانسیون مذکور و ماده ۲۸ قانون اجرای احکام مدنى مصوب ۱۳۵۶ ، دستور صدور اجرائیه و ابلاغ آن به محکوم علیه را صادر مى کند.^۱ رويه قضایی فرانسه هم با این نظریه موافق و هم سو مى باشد . چنانچه ماده ۱۴۹۸ قانون آئین دادرسی مدنى فرانسه ارزیابی انجام شده توسط قاضی (جهت صدور دستور اجرائیه) منحصر و محدود به آن است که متقاضی ، شناسایی و اجرای رأی خارجى داورى را به اثبات برساند و اینکه این رأی مخالفت آشکار با نظم عمومى بین المللى نداشته باشد.^۲ اضافه مى نماید که اعتراض محکوم علیه داورى نیز خدشه اى به الزام آور بودن رأی داورى وارد نمى نماید و حسب مقرر در ماده ۴۹۳ قانون آئین دادرسی مدنى «اعتراض به رأی داورى مانع از اجرای آن نیست مگر آنکه دلایل اعتراض قوی باشد ، در این صورت دادگاه قرار توقیف اجرای آن را تا پایان رسیدگی به اعتراض و صدور حکم قطعی صادر مى نماید و در صورت اقتضاء تأمین مناسب نیز از معترض اخذ خواهد شد . « عجلتاً اینکه با عنایت به توضیحات فوق الذکر رأی داورى بلافاصله پس از صدور برای طرفین حتى دادگاه لازم الاتباع و لازم الاجراست مگر در موارد استثناء مانند نظم عمومى که فوقاً بیان گردید .

۳- مبانی حقوقی لازم الاجراء بودن آرای داورى

گرچه ذکر مبانی حقوقی و قانونی اصل لازم الاجراء بودن آرای داورى مستلزم تحقیق مستوفى و در حد و حدود یک رساله دکترى است ، لیکن ما با رعایت اختصار و بیان امهات مطالب به تبیین آن مى پردازیم .

الف. جایگاه توافقی نهاد داورى

از نقطه نظر حقوقی ، اصل آزادی قراردادها از آثار و نتایج طبیعى و بدیهی اصل حاکمیت اراده بوده و تحت حمایت همه نظام های حقوقی قرارداد دارد . تأسیس حقوقی داورى نیز دارای پایگاه مردمی بوده و مورد شناسایی کلیه اسناد و مقررات بین المللى قرار گرفته است . مبنای اصلی و مهم حقوقی داورى ، پایگاه قراردادی و نیز جایگاه توافقی داورى است . در بعد داخلی علاوه بر قانون آئین دادرسی مدنى مصوب ۱۳۷۹ در باب داورى و نیز قانون داورى تجارى بین المللى مصوب ۱۳۷۶ و سایر قوانین و مقررات ، تماماً حاکی از لازم الاجراء بودن آرای داورى است . اصل حاکمیت اراده در حقوق خصوصى بر مبنای «اصل جهانی آزادی» استوار بوده و

۱ به نقل از خانم منیژه دانای علمى ، مندرج در مجله کانون وکلای دادگستری مرکز ، شماره ۳۹ و ۴۰ ، بهار و

تابستان ۱۳۸۹ ، صفحه ۱۱۰

۲ منبع پیشین ، صفحه ۱۱۱

قراردادها پایه همه این روابط به شمار می روند^۱. در حقوق داخلی ما ، ماده ۱۰ قانون مدنی مصداق بارز این اصل به شمار می رود . در بعد بین المللی نیز اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها در اسناد و مقررات بین المللی چون منشور سازمان ملل متحد و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد توجه و تأیید قرار گرفته است^۲. لذا علی الاصول داوری در چارچوب توافق و خواست طرفین برای حل اختلاف بوده و سنگ بنای داوری در اصل متکی به توافق طرفین و قبول اجرای اختیاری رأی است .

ب. تحصیل سریع نتیجه و حذف تشریفات اضافی

یکی دیگر از مبانی حقوقی و یا اهداف و انگیزه های مهم اقبال به داوری و بالتبع اجرای آرای آن در واقع اجتناب از تشریفات زائد دادرسی و اداری دست و پا گیر و خصوصاً مقررات خشک و زائد موجبات اطاله دادرسی در رسیدگی های قضایی است . در عصر کنونی رعایت سرعت و اجتناب از کندی خصوصاً در مراودات تجاری ، حل سریع اختلافات از فاکتورهای اساسی و تعیین کننده و سوق دهنده به سوی داوری است .

بطور خلاصه اینکه اگر تمام تشریفات و پروسه داوری در یک کفه ترازو و لازم الاجراء بودن آرای صادره در کفه دیگر ترازو قرار گیرد ، حتماً کفه دوم ترازو سنگین تر و برای طرفین اختلاف مهمتر و حیاتی تر است .

ج. رویکرد قانون گذاران

یکی دیگر از مبانی حقوقی اصل لازم الاجراء بودن آرای داوری ، رویکرد قانون گذاران داخلی و خارجی و بین المللی و اهتمام ایشان در حمایت از اجرای آرای داوری است . ماده ۴۸۸ قانون آئین دادرسی مدنی تلویحاً و ماده ۳۵ قانون داوری تجاری بین المللی تصریحاً بر لازم الاجراء بودن آرای داوری ملی و بین المللی ایران صحه گذاشته اند . سایر قوانین و مقررات بین المللی و نیز مفاد کنوانسیون ها تماماً مشعر بر لازم الاجراء بودن آرای داوری است که مبنای مهم حقوقی آن نیز قرار گرفته است . نکته پایانی اینکه منظور نظر ما از لازم الاجراء بودن آرای داوری ، صرفاً مواردی است که رأی داوری صحیحاً و در چارچوب مقررات داوری و بدون توسل به وسایل متقلبانه غیر قانونی و غیر واقعی از قبیل جعل سند و یا هر گونه فسادی صادر شده باشد . و گرنه آرای مزبور دچار اشکال و مخدوش بوده ، طبعاً قابل اجراء هم نیست .

۴. شناسایی و اجرای آرای قطعی و لازم الاجراء

مستفاد از مجموع آنچه که تا کنون در خصوص نهاد داوری بیان گردیده مبین وجهه

۱ دکتر کاتوزیان ، ناصر ، مبانی حقوقی عمومی ، انتشارات نشر میزان ، سال ۱۳۸۳ ، صفحه ۹۷

۲ دکتر مجتهدی ، محمد رضا ، مقررات بین المللی ، انتشارات کتاب رأی مولی ، تبریز ، سال ۱۳۷۱ ، صفحه ۱۰۱

خصوصی این نهاد مردمی بوده و اجرای آرای صادره داوری علی القاعده تابع شرایط مقررات و نظام حقوقی محل مورد اجراست. منظور از شناسایی و اجراء رأی داوری در واقع بررسی صحت و سقم رأی داوری و در صورت حصول اطمینان به صحت آن، به رسمیت شناختن رأی داوری و سپس صدور دستور اجراء آن است. شناسایی رأی، نوعاً در خصوص آرای داوری صادره خارج از کشور محل اجراء بوده و منظور این است که به رأی داوری صادره غیر از کشور محل اجراء، ارزش برابر با حکم صادره از دادگاه محل درخواست اجراء داده شود. در حالی که منظور از اجرای رأی، یک مفهوم عملی و در حقیقت الزام متعهد و محکوم علیه به اجرای مفاد رأی داوری است. این مفهوم دقیقاً در کنوانسیون ۱۹۶۵ واشنگتن تصریح گردیده و اینکه رأی صادره از کشور های متعاقد دیگر را باید مانند حکم نهایی آرای دادگاه های خود بپذیرند.^۱ که این از ویژگی های ICSID است. همچنین وقتی که رأی اجراء می گردد، طبعاً مورد شناسایی لازم قرار می گیرد.^۲ لذا شناسایی رأی، فرآیندی در دادگاه ملی است که به تصمیم قضایی منتهی می گردد و شناسایی به عنوان فرآیندی دفاعی توصیف شده که به منزله سپر عمل می کند.^۳ یعنی هم رأی داوری اجراء می گردد و هم مانع از جریان رسیدگی در محاکم قضایی می شود.

الف. اجرای آرای داوری داخلی^۴

چنانچه دیدیم رأی داوری از ویژگی و یا خصیصه مهم نهایی و قطعی بودن و نیز از خصیصه مهم تر لازم الاجراء بودن برخوردار است. در حیطه اجرای آرای داوری، مهمترین و اساسی ترین سؤال مقدر، تعیین وصف داخلی و یا خارجی رأی داوری است. به عبارت الاخری قبل از ورود به محوطه و قلمرو اجرای رأی لازم است تا بدو تابعیت رأی داوری تشخیص و تعیین گردد. در نظام حقوقی ایران بشرح آتی جهت تعیین تابعیت رأی، از معیار جغرافیایی یعنی عامل ارتباط محل صدور استفاده شده است. لذاست که برخی از حقوقدانان و متخصصین حقوق داوری گفته اند که: «همانگونه که در مورد احکام دادگاه ها، مطابق اصل وابستگی سرزمینی، محل صدور، ملاک تعیین وابستگی (تابعیت) حکم است، در مورد آرای داوری نیز با توجه به محل صدور، تابعیت و به تبع، وصف داخلی و یا خارجی آنها تعیین می گردد و عوامل ارتباط احتمالی دیگری مانند محل انعقاد قرارداد داوری و یا قانون قابل اعمال نسبت به اختلاف یا تابعیت داوران و یا طرفین رنگ می بازد.»^۵ ما هم به تبع از این نظریه اجرای آرای داوری داخلی

1. Giardina, A., "The Practical Application of Multilateral Convention" 14th ICCA Congress, Paris, May, 1998, PP.14-17

2. Redfern and Hunter, International Commercial Arbitration, Para 10-09

3. Redfern and Hunter, opcit, Para 10-12

4. Lex Loci Arbitration

۵ دکتر جنیدی، لعیاء، اجرای آرای بازرگانی خارجی، انتشارات شهر دانش، سال ۱۳۹۲، صفحه ۳۲۱

را در دو قسمت آرای داوری ملی و بین‌المللی مورد بحث و بررسی قرار خواهیم داد .

اول. اجرای آرای داوری ملی

در خاتمه پروسه داوری که فرجام آن با صدور دستورات داوری در قالب رأی داوری است ، اصل بر اجرای رأی داوری توسط محکوم علیه بوده که با طوعاً و اختیاراً عمل نمودن به رأی داوری معنا و انجام می‌یابد . از امتیازات مهم و اساسی داوری ، تعهد ضمنی طرفین اختلافات در موافقتنامه و یا شرط داوری به عنوان ضمانت مهم اجرای رأی داوری است . زیرا تراضی و توافق طرفین به داوری جوهر اصلی داوری است^۱ . مع الوصف در پاره ای از موارد ممکن است محکوم علیه از اجرای رأی داوری امتناع ورزد که انتظار می‌رود قانون از اجرای رأی با ساز و کار لازم و ایجاد بستر مناسب قانونی حمایت نماید جهت اجرای عملی رأی داوری ، حسب مادتين ۴۸۸ و ۴۸۵ قانون آئین دادرسی مدنی ، ارائه اصل رأی داوری و ضمیمه نمودن قرارداد داوری جهت فراهم نمودن و امکان قاضی و اطمینان وی از صحت و اعتبار رأی داور و نیز اطمینان از فقدان موجبات ابطال موضوع ماده ۴۸۹ قانون آئین دادرسی مدنی لازم و ضروری است . همچنین «مطابق ظاهر مواد ۴۸۵ و ۴۸۸ قانون آئین دادرسی مدنی برای رسیدگی به درخواست اجراء و صدور اجرائیه ، برگزاری جلسات بحث و مذاکره بین طرفین ، از سوی دادگاه ضروری نیست.»^۲ در خاتمه و در خصوص اجرای آرای داوری ملی در ایران ، ذکر چند نکته مهم ضرور می‌نماید.

اول اینکه - اعتراض به رأی داوری مانع از اجرای آن نیست مگر اینکه دلایل اعتراض قوی باشد ، که در این صورت دادگاه قرار توقف اجرای آن را تا پایان رسیدگی به اعتراض و صدور حکم قطعی صادر می‌نماید . در صورت اقتضاء نیز تأمین مناسب از معترض اخذ خواهد شد . (ماده ۴۹۳ قانون آئین دادرسی مدنی)

دوم اینکه - در دادرسی های قضایی که منتهی به صدور حکم قطعی و لازم الاجراء می‌شود ، حسب مقررات قانون اجرای احکام مدنی^۳ اجرای حکم با صدور اجرائیه بعمل می‌آید . در مواردی که حکم دادگاه جنبه اعلامی داشته و مستلزم انجام عملی از طرف محکوم علیه نیست ، از قبیل اعلام اصالت یا بطلان سند ، اجرائیه صادر نمی‌شود . همچنین در مواردی که سازمان ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت طرف دعوی نبوده ولی اجرای حکم باید بوسیله آنها صورت گیرد ، صدور اجرائیه لازم نیست و سازمان ها و مؤسسات مزبور مکلفند بدستور دادگاه

۱ دکتر محبی ، محسن ، داوری نامه ۱ ، انتشارات مرکز داوری اتاق ایران ، سال ۱۳۸۳ ، صفحه ۱۶۵

۲ دکتر محبی ، محسن ، منبع پیشین ، صفحه ۲۳۱

۳ حسب مدلول مقررات مندرج در ماده ۴ قانون اجرای احکام مصوب ۱۳۵۶

حکم را اجراء کند.» مع الاسف در رژیم حقوقی اجرای آرای داوری ملی در این خصوص تفکیکی بین آرای اعلامی و آرای اجرایی قائل نشده است، که بنظر می رسد با عنایت به قسمت پایانی ماده ۴۸۸ قانون آئین دادرسی مدنی که مقرر می دارد، اجرای رأی (داوری) برابر مقررات قانونی می باشد، و با اخذ وحدت ملاک از ماده ۴ قانون اجرای احکام، باید قائل بر عدم صدور اجرائیه در آرای داوری که جنبه اعلامی دارند بود. بالاخره سومین نکته حائز اهمیت اینکه آیا آراء صادره در داوری داخلی که مشمول مقررات آئین دادرسی مدنی است، از ضمانت های مقرر در قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۴ برخوردار می گردند؟ در واقع آیا محکوم علیه رأی داوری که طوعاً نسبت به انجام رأی داوری اقدام نموده را می توان تا زمان اجرای کامل رأی داوری و معرفی مال و یا اثبات اعسار، وی را حبس و یا بازداشت نمود؟ البته پاسخ این سؤال در زمان حاکمیت قانون سابق (قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۷۷) موجب اختلاف نظر شده بود، لیکن با تصویب قانون جدید در سال ۱۳۹۴ و با تصویب ماده ۲۷ این قانون، تردیدها و اختلاف نظرات برطرف گردیده است. ماده فوق الذکر صریحاً مقرر می دارد که: «مقررات این قانون در مورد گزارش های اصلاحی مراجع قضایی و آرای مدنی سایر مراجعی که به موجب قانون، اجرای آنها بر عهده اجرای احکام مدنی دادگستری است، و همچنین آرای مدنی تعزیرات حکومتی نیز مجری است.» لذا در این که آرای داوری مشمول قانون فوق الذکر بوده دیگر کمترین تردیدی وجود ندارد.

دوم. اجرای آرای داوری بین المللی

گروهی از آرای داوری های داخلی ایران، تحت عنوان آرای داوری های بین المللی است که مقررات عام قانون آئین دادرسی مدنی و نیز مقررات قانون داوری تجاری بین المللی بر آنها حاکمیت دارد. حسب بند ب از ماده ۱ قانون فوق الذکر منظور از داوری های بین المللی، داوری هایی است که در وقت تنظیم و انعقاد موافقتنامه داوری به موجب قانون ایران یکی از طرفین، ایرانی و یا تبعه ایران محسوب نگردد. همچنین این قانون ناظر بر اختلافات تجاری است که برخی از مصادیق آنها به طور مثال در ماده ۲ قانون مزبور احصاء شده است. البته هر چند که در خصوص تجاری بودن اختلاف و یا داوری در این قانون فقط به ضابطه موضوعی اشاره نموده یعنی بدون تعریف روابط تجاری و ارائه یک ضابطه نوعی، در واقع تماثل و مصادیقی از روابط تجاری را مثل خرید و فروش کالا و خدمات، حمل و نقل، بیمه، خدمات مشاوره ای و پیمانکاری و غیره ذکر نموده است، مع الوصف به علت گسترده بودن روابط تجاری و اینکه عمده اختلافات، از روابط تجاری منبث و سرچشمه می گیرد، ظاهراً بیشتر اختلافات را پوشش می دهد. براساس ماده ۳۵ قانون صدراالشعار، آرای صادره وفق مقررات این قانون پس از صدور، قطعی و پس از ابلاغ به طرفین لازم الاجراء هستند. بدیهی است که همانند آرای

داوری های ملی توسط محاکم داخلی اجرائیه صادر و به موقع اجراء گذاشته خواهد شد . در رژیم اجرائیه خاص این قانون و بر خلاف مقررات قانون آئين دادرسی مدنی که برای محکوم عليه بيست روز پس از ابلاغ مهلت اعتراض در نظر گرفته تا رأی را اجراء نماید ، در این قانون هيچ گونه مهلتی در نظر گرفته نشده است ، ليکن با توجه به توضیحات قسمت قبل و اینکه آرای داوری بين المللی علی الاصول مشمول قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و نیز قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۳۹۳/۷/۱۵ مجلس شورای اسلامی (که نهایتاً به علت عدم تأیید شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۹۴/۳/۲۳ به تصویب مجمع تشخیص مصلت نظام رسیده است) می باشد ، به موجب ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی ، محکوم عليه مکلف است ظرف ۱۰ روز مفاد اجرائیه را به موقع اجراء بگذارد و به موجب ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی ۱۳۹۴ چنانچه محکوم عليه تا سی روز پس از ابلاغ اجرائیه ، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود ، دعوای اعسار خویش را اقامه کرده باشد ، حبس نمی شود . به نظر می رسد ۱۰ روز پس از ابلاغ اجرائیه امکان توقیف اموال محکوم عليه وجود داشته و پس از یک ماه بشرح فوق جهت عدم تحمل حبس ، محکوم عليه فرصت اقامه دعوی اعسار خواهد داشت . لذا معلوم گردید که قانون مزبور در داوری های تجاری بين المللی که در قلمرو سرزمین و جغرافیای ایران برگزار می گردد ، نیز جاری و ساری است .

ب. اجرای آرای داوری خارجی

در خلال مباحث گذشته رأی داوری خارجی را تعریف نمودیم . خلاصه اینکه رأی داوری خارجی رأیی است که خارج از قلمرو کشور مورد تقاضای اجراء ، صادر شده باشد . یعنی مقرر داوری و محل صدور آن غیر از مقر دادگاه محل درخواست اجراء باشد . برای اجرای رأی داوری در جهان دو روش متفاوت وجود دارد . یکی تشبیه رأی داوری خارجی به رأی داوری داخلی است . یعنی با همان روشی که یک رأی داوری داخلی در آن کشور اجراء می گردد ، رأی داوری خارجی نیز اجراء گردد .^۱ روش دیگر تشبیه رأی داوری خارجی به یک رأی و یا حکم قضایی خارجی است که در اینصورت باید برای رأی مزبور اجرائیه (دستور اجراء) در کشور خارجی صادر شود تا در کشور محل اجراء قابل اجراء گردد . در این مقال ما ابتدائاً روش اول که در قلمرو کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک بوده و اکثر کشورهای جهان به آن پیوسته اند ،^۲ را بررسی نموده ، سپس اجرای آرای داوری خارجی در خارج از حیطه حاکمیت این

۱ دکتر محبی ، محسن ، همان منبع پیشین ، صفحات ۲۶ و ۲۷

۲ دکتر نیک بخت ، حمید رضا ، منبع فوق الذکر ، صفحه ۷۲ ، با الحاق کشور آفریقایی کنگو به معاهده نیویورک تعداد اعضای این معاهده تا پایان فوریه ۲۰۱۵ به ۱۵۴ کشور رسیده است .

معاهده و در پایان و به عنوان حسن ختام این مقال ، اجرای آرای داوری وفق شرایط خاص را جستجو خواهیم نمود .

اول. اجرای آرای داوری خارجی در قلمرو کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک

کشور ما با تصویب قانون الحاق به این کنوانسیون در سال ۱۳۸۰ به آن پیوسته و ملحق گردیده است . بلاشک این کنوانسیون که اختصاصاً درباره اجرای احکام خارجی است علاوه بر آنکه مهمترین معاهده در حقوق داوری محسوب می گردد ، تحولی عظیم در این مدت شصت ساله در حقوق داوری ایجاد نموده است تا جایی که برخی آن را ستون خیمه اصلی رژیم بین المللی آرای داوری خارجی لقب داده اند .^۱

همچنین آن را «مؤثرترین مصداق از قانون گذاری بین المللی در تاریخ حقوق تجارت» خوانده اند . این معاهده نقش بسیار مؤثری در اجرای عملی آرای خارجی ایفاء نموده است تا جایی که گفته شده است : «در عمل اجرای رأی داوری خارجی آسانتر از اجرای حکم یک دادگاه خارجی است و آرای که در صحنه بین المللی اجراء نشده باشد ، نادر بوده است .»^۲ حسب مقرر در این معاهده ، رأی داوری خارجی باید در ماهیت دعوی و نهایی باشد.^۳ البته شرط رزرو (حق تحفظ) هم برای کشور های عضو منظور گردیده تا فقط آرای صادره در کشور های متعاقد را اجراء نمایند.

کنوانسیون از رأی داوری تعریفی ارائه نموده ولی قاعداً شامل آن دسته از تصمیمات داور و یا هیئت داوری است که بطور نهایی موضوع را حل و فصل می کنند و دارای امر مختومه و قابل اجرا است.^۴ کنوانسیون جهت تشخیص خارجی بودن رأی داوری دو معیار بکار گرفته است . اینکه توصیف رأی صادره به خارجی بودن ممکن است نتیجه معیار سرزمینی یا معیار کارکردی باشد .^۵ و یا اینکه تابعیت طرفین داوری چه تابعیتی است که البته محل داوری معیار غالب است . این شیوه ای قابل پیش بینی و مطمئن برای احراز قلمرو کنوانسیون است .^۶ در خاتمه این مقال یادآوری می گردد که علیرغم بین بودن مفاد معاهده کنوانسیون و لازم الاجراء بودن آن در

1. See, eg. Giardina, The Practical Application of Multilateral Convention, Icc Congress Series, no9,440

2. Reed, Experiante of Practical problems of Enforcement, Icc Congress series no9,557

3. Final Award

۴ جولیان دی ام لیو ، لوکاس ای میستلیس و استفان ام کرول ، داوری تجاری بین المللی تطبیقی ، با ترجمه دکتر حبیبی مجنده ، محمد ، انتشارات دانشگاه مفید ، سال ۱۳۹۱ ، صفحه ۶۹۸

۵ دکتر حبیبی مجنده ، محمد ، منبع پیشین ، صفحه ۶۹۹

6. See, e.g, van den Berg, New York Convention , 15-19

کشورمان که به استناد ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون ایران به حساب می‌آید، و اینکه شناسایی رأی داوری خارجی یک امر موضوعی است، لیکن برخی از حقوقدانان پیشنهاد نموده‌اند که از لحاظ نظری نیز ضوابطی قانونی برای اجرای آنها تدوین و تصویب گردد. «دادگاه در مقام رسیدگی برای شناسایی رأی داوری باید سه ضابطه را در نظر بگیرد. ۱- رأی صادره در کشور محل صدور قطعی است یعنی قابل اعتراض (تجدید نظر) نیست. ۲- کشور محل صدور رأی در مقام شناسایی و اجرای احکام ایران، رفتار متقابل می‌کند. ۳- رأی صادره برخلاف نظم عمومی ایران نیست.»^۱

دوم. اجرای آرای داوری خارج از قلمرو کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک

(هر چند که با الحاق ایران به کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک بسیاری از مشکلات و موانع اجرای آرای داوری خارجی در ایران مرتفع گردیده است، لیکن هنوز نظام قانون گذاری ما فاقد قوانین مدون و نیز فاقد سیاست اصولی مشخص در این زمینه است. چنانچه در بخش قبلی کلام و در زمینه گستره قلمرو کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک گفته شد ایران با دو شرط تحفظ به این معاهده پیوسته است. یکی شرط رزرو تجاری و دیگری شرط رزرو عمل متقابل سرزمینی که در صورت تحقق هر دو یا یکی از این دو شرط مقرر در کنوانسیون رأی داوری خارجی در ایران قابل اجراء نمی‌باشد. حال سؤال اصلی این است که در صورتی که رأی داوری خارجی فاقد شرایط شمول کنوانسیون نیویورک بوده باشد آیا قابلیت اجراء در ایران را دارد؟ و اگر پاسخ مثبت است رأی مزبور تحت چه عنوانی قابلیت اجرا را پیدا می‌نماید؟ که ذیلاً به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

یک. رأی داوری خارجی به منزله احکام محاکم خارجی

در صورتی که رأی داوری را مشابه احکام قضایی دادگاه های خارجی فرض نماییم لازم است که واجد شرایط و مقررات مقرر در قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ بوده باشد. فصل نهم قانون مزبور، در باب احکام و اسناد لازم الاجراء کشورهای خارجی است. ماده ۱۶۹ این قانون برای احکام مدنی (و نه کیفری) صادره از دادگاههای خارجی شرایط ذیل را در نظر گرفته شده است.

۱- حکم از کشوری صادر شده باشد که بموجب قوانین خود یا عهود یا قراردادهای احکام صادره از دادگاه های ایران در آن کشور قابل اجرا باشد یا در مورد اجرای احکام، معامله متقابل نماید.

۲- مفاد حکم مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی و یا اخلاق حسنه نباشد.

۱ دکتر محبی، محسن، داوری نامه ۱، انتشارات مرکز داوری اتاق ایران، سال ۱۳۸۳، صفحه ۱۹۵

۳- اجرای حکم مخالف با عهود بین المللی که دولت ایران آن را امضاء کرده یا مخالف قوانین مخصوص نباشد .

۴- حکم در کشوری که صادر شده قطعی و لازم الاجراء بوده و به علت قانونی از اعتبار نیفتاده باشد .

۵- از دادگاه های ایران حکمی مخالف دادگاه خارجی صادر نشده باشد .

۶- رسیدگی به موضوع دعوی مطابق قوانین ایران اختصاص به دادگاه های ایران نداشته نباشد .

۷- حکم راجع به اموال غیر منقول واقع در ایران و حقوق متعلق به آن نباشد .

۸- دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیت دار کشور صادر کننده حکم صادر شده باشد .

البته مفاد بند های هشتگانه ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی بسیار صریح است . بنظر می رسد کمتر رأی داوری با مقررات این ماده و خارج از شمول کنوانسیون نیویورک قابلیت اجرایی داشته باشد . اساساً بررسی و اثبات شرایط مقرر در این ماده صرف نظر از اینکه بار اثباتی آن بر عهده دارنده رأی داوری است یا خیر ، بسیار دشوار می نماید . از همه اشکالات مهمتر و سخت تر اینکه اساساً آرای داوری (برخلاف نظر نگارنده) در رویه قضایی و نیز مقررات و قوانین فاقد ویژگی «حکم» تلقی گردیده است. به ویژه که در بند ۵ صراحتاً حکم صادره را به دادگاه های خارجی منسوب نموده است . در حالی که رأی داوری با حکم محاکم قضایی متفاوت است . لذا به نظر ما اساساً پذیرش رأی داوری خارجی مشابه و یا به مثابه احکام دادگاه های خارجی ، غیر میسر و غیر ممکن است .

دو. رأی داوری خارجی به منزله اسناد تنظیمی لازم الاجراء خارجی

مطابق این نظریه رأی داوری به عنوان یک سند تنظیم شده در خارج از ایران و با وصف لازم الاجراء تلقی گردیده است . در نظام حقوقی و قانونی ما اعتبار اسناد تنظیمی در خارج از کشور و نوعاً جهت ارائه به محاکم قضایی دارای شرایطی است که در ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی مذکور افتاده است . «محاکم ایران به اسناد تنظیم شده در کشور های خارجه همان اعتبار را خواهند داد که آن اسناد مطابق قوانین کشوری که در آن جا تنظیم شده دارا می باشد . مشروط بر اینکه :

اولاً- اسناد مزبور به علتی از علل قانونی از اعتبار نیفتاده باشد .

ثانیاً- مفاد آنها مخالف با قوانین مربوط به نظم عمومی یا اخلاق حسنه ی ایران نباشد .

ثالثاً- کشوری که اسناد در آن جا تنظیم شده به موجب قوانین خود و یا عهود ، اسناد در

ایران را نیز معتبر بشناسد .

رابعاً- نماینده سیاسی یا کنسولی ایران در کشوری که سند آنجا تنظیم شده یا نماینده

سیاسی و قنصلی کشور مزبور در ایران تصدیق کرده باشد که سند موافق قوانین محل، تنظیم یافته است. شرایط فوق جهت احراز صحت اعتبار اسناد خارجی در محاکم قضایی ایران است. لیکن به فرض صحت اعتبار آنها، جهت اجرای آرای داوری خارجی به عنوان اسناد خارجی رعایت مفاد مادتين ۱۷۷ و ۱۷۸ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ ضروری است. حسب مفاد ماده ۱۷۷ قانون مزبور، اسنادتنظیمی باید به همان ترتیب و شرایط مقرر در اجرای احکام دادنامه های خارجی (بشرح مقرر در ماده ۱۶۹ همین قانون) بوده باشد. همچنین حسب ماده ۱۷۸ این قانون «احکام و اسناد خارجی طبق مقررات اجرای احکام مدنی به مرحله اجرا گذارده می شود». بنابراین جهت شناسایی رأی داوری خارجی و خارج از قلمرو کنوانسیون نیویورک و به عنوان سند خارجی و اجرا آن در ایران، رعایت شرایط فوق الذکر ضروری است.

سه. رأی داوری خارجی به منزله آرای داوری داخلی

مطابق با این نظریه، رأی داوری خارجی به منزله یکی از آرای داوری صادره در داخل کشور محسوب گردیده و حسب قواعد و مقررات اجرای آرای داوری صادره داخلی رفتار می گردد. البته آرای داوری داخلی همانگونه که قبلاً توضیح داده شد شامل آرای داوری ملی و نیز آرای داوری تجاری بین المللی است. حسب مدلول ماده ۴۸۸ قانون آئین دادرسی مدنی، ظرف ۲۰ روز پس از ابلاغ رأی داوری، قابلیت صدور اجرائیه را داشته و در داوری های تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶، وفق بند ۳ ماده ۲۳ قانون داوری تجاری بین المللی مصوب ۱۳۷۶، پس از گذشت ۳ ماه و عدم اعتراض محکوم علیه و نیز عدم صدور قرار توقف رأی داوری، قابلیت صدور اجرائیه را خواهد داشت. البته بعضی از متخصصین حقوق داوری اظهار نظر نموده اند که: «رأی داوری صادره در خارج از ایران باید به دادگاه موضوع ماده ۶ قانون داوری تجاری بین المللی ایران، یعنی دادگاه عمومی تهران ارائه شود.»^۱ به هر حال به نظر می رسد که در خصوص آرای داوری اعم از اینکه رأی داور ملی داخلی یا رأی داور تجاری بین المللی فرض نماییم بتوان از محاکم ایران درخواست صدور اجرائیه را نمود مشروط بر اینکه شرایط مقرر در ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی و مواد ۱۶۹ و ۱۷۷ و ۱۷۸ قانون اجرای احکام را داشته باشند.

ج. اجرای آرای داوری خارجی وفق شرایط خاص

آنچه که تا کنون در این قسمت از بحث به رشته تحریر درآمد، در باب شناسایی اجرای قطعی و لازم الاجراء خارجی بود که بدو در حیطه حقوقی کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک و سپس موارد خارج از قلمرو آن و به عنوان حکم و یا سند لازم الاجراء و بالمأل، احتساب و اشمال رأی

۱ نیک بخت، حمید رضا، شناسایی و اجرای آرای داوری ها در ایران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، سال ۱۳۹۱، صفحات ۱۹۱ و ۱۹۲

داوری خارجی به عنوان رأی داوری داخلی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. البته در موارد مذکور صراحتاً حکم قانونی راجع به اجرای رأی داوری خارجی به چشم نمی خورد و صرفاً با اخذ وحدت ملاک و یا دکتین حقوقی و نیز رویه قضایی نظریاتی بیان گردید. در این قسمت به اجرای رأی داوری خارجی و با شرایط خاص می پردازیم.

اول. معاهدات سرمایه گذاری

معاهدات دو جانبه و یا چند جانبه معمولاً جهت حمایت و تشویق سرمایه گذاری است و مفاد آنها نوعاً شامل جزئیات نحوه همکاری و میزان سرمایه گذاری و نیز سایر جوانب فنی و توافقات حاصله است. در این معاهدات غالباً در خصوص راه حل اختلافات و یا مشکلات احتمالی و یا تفسیر مواد معاهده از طریق درج شرط مراجعه به داوری پیش بینی می گردد. این معاهدات که قاعدتاً و به استناد اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید به تصویب مجلس شورای اسلامی نیز برسد، حسب مقرر در ماده ۹ قانون مدنی در حکم قانون ایران است. لذا اثر حقوقی آنها الزام آور بودن و لازم الاجراء بودن مفاد و شروط معاهده است.

تقریباً در تمامی این شروط داوری آمده است که «رأی داوری برای طرفین قطعی و لازم الاجراء خواهد بود.»^۱ نکته قابل توجه اینکه در برخی از این معاهدات متضمن مقرراتی جهت تسهیل اجرای رأی داوری پیش بینی گردیده است. بطور مثال در خصوص پروتکل دوم معاهده تشویق و حمایت سرمایه گذاری بین ایران و آلمان سال ۱۹۶۴ برابر ۱۳۴۴ شمسی، صرفاً به تدارک و تمهیداتی راجع به حل و فصل اختلافات از طریق داوری اشاره نموده و ملاً اینکه عدم اجرای رأی داوری مقدر و میسر نبوده مگر در موارد مذکور در ماده ۵ کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ که امتناع از اجرای رأی داوری جایز شمرده شده است. همچنین در ماده ۱۱ موافقتنامه دو جانبه فیما بین ایران و پاکستان (۱۳۷۶) تأکید گردیده که داوری وفق مقررات آنسیترال انجام خواهد شد.

همچنین نمونه بارزتر و جالب تر را می توان در ماده ۱۰ موافقتنامه تشویق و حمایت متقابل از سرمایه گذاری بین ایران و آذربایجان (۱۳۷۹) مشاهده کرد. به موجب این ماده: «اگر اختلافات بین سرمایه گذار و دولت مقابل از طریق دوستانه حل و فصل نشود، هر طرف می تواند یا به دادگاه رجوع کند، یا با رعایت مقررات داخلی خود به داوری مراجعه نماید. اما اگر موضوع در دادگاه صالح مطرح شده باشد، مادام که موضوع تحت رسیدگی است، قابل ارجاع به

۱. بطور مثال در معاهده ایران با دولت کویت مورخ ۱۳۸۶/۶/۵ و یا با دولت پادشاهی سوئد مورخ ۱۳۸۶/۵/۱۶ و یا دولت پادشاهی اسپانیا حتی عهدنامه مودت در روابط اقتصادی و حقوق کنسولی بین ایران و ایالات متحده آمریکا ۱۳۳۴ و غیره

داوری نیست.^۱ راقم سطور معتقد است قید عبارت «رأی داوری قطعی و لازم الاجراست» متضمن ایجاد تعهد قراردادی برای طرفین قرارداد مبنی بر اجرای بی قید و شرط و بی چون و چرای آرای قطعی داوری است. یعنی محکوم علیه طوعاً و اختیاراً نسبت به اجرای مفاد رأی داوری مبادرت ورزد. در غیر این صورت باید به اجرای اجباری رأی داوری روی آورد. البته برخی معتقدند که در خصوص معاهدات، «اجرای اجباری رأی داوری به معنای وجود روشی برای استفاده از قدرت دولتها برای اجبار رأی داوری ناشی از معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری قابل تصور نیست.»^۲ زیرا این امر مربوط به دولت‌ها و طبعاً در حوزه روابط بین دولتها و یا حداقل به یک دولت مربوط است، و قرارداد و اجرای آن تابع مقررات حقوق بین الملل عمومی است. به عبارت روشن‌تر اینکه وقتی یک رأی داوری در اختلاف بین دول متعاهد مربوط به تخلف و یا نقض و یا تفسیر معاهده دو جانبه سرمایه‌گذاری صادر می‌شود، ناشی از دیوان داوری است که صلاحیت آن از یک سند حقوق بین المللی عمومی (یعنی معاهده) ناشی می‌شود، نه از یک قرارداد خصوصی. لذا آرای داوری مزبور تحت شمول کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک نیز قرار نمی‌گیرد زیرا نه تنها داوری آنها تجاری محسوب نمی‌شود بلکه ناشی از یک نظام معاهده‌ای تنظیم‌کننده در نظر گرفته می‌شود.^۳ مگر اینکه در متن معاهده تصریح نماید که معاهده از نوع تجاری بوده و اجرای رأی داوری تحت شمول معاهده ۱۹۵۸ نیویورک خواهد بود.^۴

دوم. معاهده دو جانبه ایران - ایالات متحده - ۱۹۸۱

در خصوص دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده آمریکا در فصل قبل و در بحث قواعد مراکز مهم داوری بین المللی سخن به میان آمد. گفتیم که این دیوان داوری براساس بیانیه‌های عمومی حل و فصل ادعاها در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۹ و برابر ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ میلادی تأسیس گردید. این معاهده دو جانبه بین المللی نه تنها امروز قسمت اعظمی از سیستم داوری و حقوق داوری ایران را تشکیل می‌دهد، بلکه در عالم حقوق داوری بین المللی یکی از معدود مراکز داوری و با صلاحیت خاص است که حدود ۴ دهه به عمر خود ادامه داده است. هدف ما از ذکر این مرکز داوری در چارچوب بحث اصولی خود، یعنی لازم الاجراء بودن آرای داوری،

۱ دکتر محبی، محسن، منبع پیشین، صفحه ۲۰۵

۲ نیک بخت، حمید رضا، شناسایی و اجرای آرای داوری‌ها در ایران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، سال ۱۳۹۱، صفحه ۲۱۳

۳ منبع پیشین، صفحه ۲۱۶

۴ مانند این شرط (بند ۷ از ماده ۱۱۳۶ نفتا) به شرح ذیل:

Aclame Lhatis Submitted to Arbitration under this Section Shall Be Considered to Arise out of Commercial Relationship Article 10. f (NYC)

بیشتر حول محور نحوه اجرای آرای صادره از این مرکز داور است. در مورد لازم الاجراء بودن آرای داور بطور اعم، قبلاً معروض گردید که اساساً ارجاع امر به داور حاکی از اراده و خواست طرفین اختلاف جهت حل مشکلات و اختلافات از طریق داور و تمکین به رأی داور است. یعنی توافق بر امر داور متضمن تعهد ضمنی بر اجرای اختیاری رأی می باشد. در خصوص اجرای آرای داور بطور اخص، بند ۴ ماده بیانیه حل و فصل ادعاهای صریحاً مقرر داشته است که: «تمام تصمیمات و احکام هیأت داور قطعی و لازم الاجراء خواهد بود.»^۱ حسب بند ۳ ماده ۴ بیانیه حل و فصل ادعاها، «هر حکمی که هیأت داور علیه هر یک از دولتین صادر نماید علیه آن دولت در دادگاه های هر کشوری طبق قوانین آن کشور قابل اجرا خواهد بود.» همچنین برای پرداخت مبلغ ناشی از آرای صادره، مقرر شده است که یک میلیارد دلاری در یک حساب تضمینی همواره وجود داشته باشد (و هیچ گاه از ۵۰۰ میلیون دلار تنزل ننماید) تا صرفاً برای تضمین پرداخت و ادعاهای علیه ایران مورد استفاده قرار گیرد. لذا پس از صدور رأی مالی به نفع طرف آمریکایی، محکوم به از حساب تضمینی یکطرفه و به نفع دولت آمریکا که در نظر گرفته شده است پرداخت خواهد شد. و تبعاً اجرای اجباری برای طرف ایرانی مطرح نیست. لیکن اگر این اجبار معطوف به طرف آمریکایی باشد، معلوم نیست که در صورت عدم تمکین به رأی لازم الاجرای داور چگونه باید عمل کرد؟ البته گفته شده است که: «رأیی که طوعاً اجرا نشود، برای اجرای اجباری، به یکی از کشور های طرفین بیانیه الجزایر و یا به کشور ثالث برده خواهد شد.»^۲ البته تاکنون مشکلی جهت اجرای آرای داور دیوان پیش نیامده است تا در آینده چه خواهد شد!

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Decision and Awards

۲ دکتر نیک بخت، حمید رضا، منبع پیشین، صفحه ۲۳۰

نتیجه گیری

۱- نظر به گسترش روابط اجتماعی و خصوصاً ارتباطات تجاری و بالتبع افزایش اختلافات، یافتن راه حل های مناسب جهت حل و فصل منازعات امری لازم و بلکه ضروری است. نهاد تاریخی و مردمی داوری به لحاظ دارا بودن امتیازات انحصاری نسبت به سیستم قضایی، همچون هزینه کمتر و سرعت بیشتر و نیز اجتناب از تشریفات زائد دادرسی، آلت‌رناتیو مناسب و به عنوان طریقه پسندیده و منصفانه جهت حل و فصل اختلافات جایگزین و بدیل سیستم قضایی است.

۲- براساس قوانین متعدد داخلی چون قانون آئین دادرسی مدنی در باب داوری، قانون داوری تجاری بین المللی، قانون الحاق ایران به کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک در خصوص شناسایی و اجرای احکام خارجی و سایر معاهدات سرمایه گذاری دو جانبه آرای داوری داخلی و خارجی به سهولت شناسایی و به اجراء در خواهند آمد. البته شناسایی و اجرای آرای داوری دو نهاد حقوقی متفاوت بوده و عملاً شناسایی مقدمه اجرای رأی داوری است.

۳- یکی از امتیازات مهم و اساسی حقوق داوری که یک سیستم دادرسی مردمی است و بر مبنای توافقات حاصله، اجرای اختیاری رأی داوری است که در واقع ضمانت اجرای رأی داوری نیز هست. یعنی وقتی طرفین اختلاف به داوری توافق و تراضی می نمایند، این توافق متضمن تعهد اجرای اختیاری رأی داوری بدون نیاز به اجبار محکوم علیه خواهد بود. مع الوصف در صورتی که محکوم علیه از اجرای رأی داوری امتناع ورزد، قوانین و قواعد داوری تمهیدات لازم را برای اجرای اجباری رأی داوری پیش بینی نموده اند.

۴- ویژگی اصلی داوری، قطعی و لازم الاجراء بودن آرای داوری است. بدین معنی که پروسه داوری یک مرحله ای بوده و رأی داوری نیز از لحاظ ماهوی غیر قابل اعتراض و تجدید نظر است. لذا رأی داوری در صورت عدم اعتراض (شکلی) و یا وارد نبودن اعتراض، به موقع اجراء در خواهد آمد. نکته مهم اینکه در صورت عدم اطمینان به اجرای رأی داوری در واقع تمام زحمات و صرف اوقات و هزینه ای داوری عملاً بی فایده خواهند بود.

۵- مطابق قواعد عام داوری و سایر قوانین خاص و مرتبط اعم از داخلی و بین المللی، آرای داوری قطعی و نهایی و لازم الاجراست. به موجب ماده ۴۸۸ قانون آئین دادرسی مدنی و نیز ماده ۳۵ قانون داوری تجاری بین المللی در خصوص آرای داوری و نیز حسب مقرر در ماده ۳ کنوانسیون ۱۹۵۸ نیویورک و سایر قوانین و مقررات، آرای داوری لازم الاتباع است. همچنین رأی داوری بلافاصله پس از صدور قطعی و لازم الاجراست، مگر اینکه مقررات حاکم بر داوری رعایت نگردیده و یا اجرای رأی داوری بر خلاف نظم عمومی و یا اخلاق حسنه باشد.

اجرای آرای داوری خارجی نیز در صورتی که در حیظه و قلمرو کنوانسیون نیویورک باشد، مانند آرای داوری داخلی قابل اجراست. و در صورتی که مشمول مقررات این معاهده نباشد، به منزله احکام محاکم خارجه و یا اسناد تنظیمی لازم الاجراء خارجی، حسب مورد و با لحاظ شرایط مقرر در ماده ۱۲۹۵ قانون مدنی و نیز مواد ۱۶۹ و ۱۷۷ و ۱۷۸ قانون اجرای احکام مدنی قابل اجراست. والسلام

فهرست منابع

منابع فارسی

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه گنج دانش، سال ۱۳۶۸
۲. حبیبی مجنده، محمد، داوری تجاری بین المللی تطبیقی، انتشارات دانشگاه مفید، سال ۱۳۹۱
۳. جنیدی، لعیا، اجرای آرای داوری بازرگانی، انتشارات شهر دانش، سال ۱۳۹۲
۴. دانای علمی، منیژه، مندرج در مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۳۹ و ۴۰، بهار و تابستان ۱۳۸۹
۵. شمس، عبد الله، آئین دادرسی مدنی، انتشارات دراک، سال ۱۳۸۴، جلد سوم
۶. صلح چی، محمد علی و غیره، اسناد بین الملل راجع به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین المللی، انتشارات جنگل، جاودانه، سال ۱۳۹۰
۷. علامه حلی، قواعد الاحکام، چاپ ... کتاب قضاء (به نقل از جنیدی، لعیا، قانون داوری تجاری بین المللی، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۸
۸. فرهنگ بزرگ جامع نوین، ترجمه المنجد، انتشارات اسلام تهران، سال ۱۳۶۵
۹. کاتوزیان، ناصر، مبانی حقوقی عمومی، انتشارات نشر میزان، سال ۱۳۸۳
۱۰. محبی، محسن و حسین کاویار، مجموعه مقررات جدید آنسیترال درباره داوری، انتشارات خرسندی، سال ۱۳۹۲
۱۱. محبی، محسن، داوری نامه ۱، انتشارات مرکز داوری اتاق ایران، سال ۱۳۸۳
۱۲. مجتهدی، محمد رضا، مقررات بین المللی، انتشارات کتاب رأی مولی، تبریز، سال ۱۳۷۱
۱۳. محمدی خورشیدی، محمد، داوری در حقوق ایران، انتشارات بهنامی، سال ۱۳۹۰
۱۴. نجفی، محمد حسین، جواهر الکلام، جلد ۴، چاپ دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۸ ه ق
۱۵. نیک بخت، حمید رضا، شناسایی و اجرای آرای داوری ها در ایران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، سال ۱۳۹۱

منابع انگلیسی

16. Giardina, A., "The Practical Application of Multilateral Convention" 14th ICCA Congress, Paris, May, 1998
17. Redfern and Hunter, International Commercial Arbitration
18. Experiante of Practical problems of Enforcement, Icc Congress
19. van den Berg, New York Convention



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتمال جامع علوم انسانی